



۵+

با برگزاری امن شب‌چله، کودکان و نوجوانان را از ترس نابودی در جهان کرونازده برهانیم

روشنای شادی در یک سال تاریک



بگاه رضوی
نسیلگر کودک و نوجوان

حتماً شما هم با این دغدغه که چرا باید امسال هم شب یلدا را جشن بگیریم مواجهید. شاید با خود بگویید این همه ترس و نگرانی و استرس دلیل خوبی نیست که یک سال هم شده درازی یلدا را فرصت مغتنمی بدانیم برای یک دقیقه خواب طولانی‌تر؟ در خلوت خود بمانیم و همچنان فاصله‌مان را با زندگی حفظ کنیم تا مبادا نه خودمان به دردرس بیفتیم و نه احتمالاً دیگران و کادر درمان و...

همه اینها و حتماً بسیاری دلیل دیگر منطقی به نظر می‌رسد اما قبل از آنکه حکم به تعطیلی یلدا بدهیم، بگذارید از زاویه دیگری آن را ببینیم. راستش نمی‌خواهم تاریخ‌نگاری کنم و انگیزه اولیه پیشینیان‌مان را از جشن گرفتن یلدا بنویسم، اما تا آنجا که حداقل از بزرگان ادبیات به یاد دارم، آنها در شعرها و نوشته‌های‌شان یلدا را استعاره‌ای کرده‌اند از شب‌های دراز؛ تاریکی‌هایی که انگار قرار است تا ابد ماندگار باشند. چه آن وقتی که شاعر از دوری معشوق به تنگ آمده و می‌سراید: «شام هجران تو تشریف به هرجا برد/در پس و پیش هزاران شب یلدا برد»، چه آنجا که به دیده شاعر «صحبت حکام ظلمت شب یلداست» و چه زمانی که زندگی امان آنها را بریده است و فریاد می‌زنند: «صد شب یلداست در هر گوشه زندان مرا». همه چیز امروزمان به شب دراز استعاره‌ای شاعران می‌خورد. شرایط اقتصادی روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود، تهدیدهای بین‌المللی شدیدتر و سایه جنگ سنگین‌تر می‌شود و یک سالی هم هست که کرونا زندگی را مختل کرده و یادمان برده روزهایی را که لیخنند می‌زدیم، آغوش می‌گرفتیم و زندگی می‌کردیم. اگر این شرایط شب نیست، پس چیست؟ تاریکی با تمام توانش می‌تازاند و امید آمدن صبح را هر روز کمتر می‌کند. اما هیچکدام از بزرگان ما کلام‌شان به‌همین جا ختم نمی‌شود. همه آنها باوجود آنکه شب را می‌دیدند و از آن می‌نالیدند، اما بی‌وقفه و همصدا پیام آمدن صبح را می‌دادند. آنها ایمان داشتند که شب‌های دراز می‌آیند اما هیچکدام یارای سیطره ابدی را نخواهند داشت و نمی‌توانند تا همیشه صبح را پس بزنند. من به کلام آنها ایمان دارم و «هنوز با همه دردم امید درمان است/ که آخری بود آخر شبان یلدا را». فکر می‌کنم حالا که همه بزرگان ما این پیام را در گوش‌مان زمزمه کرده‌اند، می‌توانیم یلدا را بهانه‌ای کنیم برای یادآوری صدای آنها. می‌توانیم در خانه بمانیم و در جشن کوچک خودمان و با پیام یلدا به کودک و نوجوان‌مان بگوییم خیالت راحت باشد، این سختی هم می‌گذرد و زندگی راهش را ادامه خواهد داد. بقیین دارم ایمان با خودش رسالت می‌آورد. شاید رسالت مایی که به صداقت پیشینیان‌مان باور داریم، در بوق و کرنا کردن یلدای امسال باشد؛ با حفظ پروتکل‌ها!

شب یلدا مصداق‌ای از تجربه شادی است. برگزاری این جشن علاوه بر اینکه نیاز به تعلق را در افراد برآورده می‌کند در شکل‌گیری هویت آنها هم مؤثر است بویژه در کودکان و نوجوانان که یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها و چالش‌های‌شان این است: «من که هستم؟». این سؤال می‌تواند در فعالیت‌هایی که به شناخت فرهنگ و زبان و تاریخ می‌انجامد، پاسخ داده شود. برای مثال شب یلدا همراه است با قصه‌گویی و شنیدن افسانه‌ها که بخشی از فرهنگ شفاهی هستند یا خوردن خوراکی‌های مختلف که پشت هر کدام فلسفه‌ای عمیق نهفته است. بی‌شک شناخت غنای فرهنگی به کودکان و نوجوانان ریشه می‌دهد؛ ریشه‌ای که می‌تواند به برگ و بار دادن‌شان در آینده کمک کند. خود آماده ساختن سفره یلدا هم، از دانه کردن انار گرفته تا تزئینات محیط اطراف و انواع دسرهای یلدایی، همراهی همه را می‌طلبد و این نقش داشتن کودکان در برگزاری خود عاملی است برای لذت‌بردن بیشتر و تجربه کردن موارد بی‌شماری مثل مشارکت، خلاقیت، کشف و از همه مهم‌تر شادی. این که چطور باید شاد باشیم، چطور باید شوق زندگی را جاری کنیم، چطور باهم باشیم و با هم از تاریکی‌گذر کنیم همه و همه در دل این تجربه‌ها نهفته است و بچه‌ها می‌توانند در بستری از زندگی آنها را بیاموزند. پس یلدا را امسال در خانه‌ها برگزار و به کمک امکانات فضای مجازی در دورهمی خانوادگی شرکت کنیم.

در دوران پساکرونا چت تصویری و پیام‌رسان‌های اینترنتی به دورهمی و آغوش و مکان گپ‌وگفت‌ها تبدیل شده‌اند. حالا دیگر حتی پدر و مادرها هم که پیش از این به‌سختی می‌توانستیم به آنها بقبولانیم که «ارتباط مجازی» هم شکلی از «ارتباط» است، حالا خودشان به مجازی‌کاران قهاری تبدیل شده‌اند که گاه باید نکاتی را از آنها بیاموزیم

باز تعریف رابطه اجتماعی در دوران پساکرونا

نوزایی مجازی مهر



روزبه آقاجری
پژوهشگر اجتماعی

یک سال از زمانی می‌گذرد که خبر واگیری ویروسی ناشناخته در ووهان چین پیچید. یلدای پارسال حتی در دورترین خیال‌پردازی‌هایمان هم گمان نمی‌کردیم که دو ماه بعد همه‌چیزمان - روابط خانوادگی‌مان، زندگی روزمره‌مان، نگاه‌مان به اطرافیان‌مان و چشم‌اندازهایمان - تا این اندازه دگرگون شود و خیلی از کسان و دوستان و همشهریان و هم‌میهنان و هم‌نوعان‌مان را از دست بدهیم، اما حالا کم‌وبیش می‌شود گفت با این جهان و زندگی تازه کنار آمده‌ایم و یلدای امسال قرار است از بیخ‌وبن با همه یلداهای قبلی‌مان فرق داشته باشد. اما چه فرقی؟

زندگی پساکرونا صرفاً نه به دلیل پیامدهایی که مانند هر بیماری سخت درمان دیگری دارد - مثل مرگ‌ومیر یا رکود اقتصادی یا هزینه‌های درمانی - بلکه بیش از همه به دلیل تأثیرات عمیقی که بر روابط اجتماعی‌مان گذاشته است، از پیش از آن متفاوت خواهد بود. این تأثیرات چنان عمیق‌اند که احتمالاً سال‌ها بعد با برخی لایه‌های آن روبه‌رو خواهیم شد. در اینجا می‌خواهم به این بپردازم که چگونه یلدای امسال نه تنها نوزایی خورشید، که نوید نوزایی شکل‌های متفاوتی در زندگی اجتماعی ماست. در چند ماه نخست همه‌گیری یکی از مسائل عجیب دیدوبازدیدهای خانوادگی بود. بسیار از کارشناسان نمی‌فهمیدند چرا، به‌رغم هشدارها درباره «در خانه ماندن»، رفت‌وآمد به خانه نزدیکان، بویژه پدر و مادر، قطع نمی‌شود؛ موضوعی که برخی جامعه‌شناسان جوابی جالب برای آن داشتند: خانه برای بسیاری ایرانی‌ها به واحد آپارتمانی‌شان محدود نمی‌شود و معنایی گسترده‌تر دارد. «خانه» بسیاری از ایرانی‌ها تا «خانه پدر و مادر» شان هم امتداد می‌یابد. اما اکنون، بعد از این که با وحشت «مرگ بی‌رحمانه حتی نزدیک‌ترین عزیزان به دلیل کرونا» روبه‌رو شده‌ایم، این پندار فرو ریخته است. حالا می‌دانیم که دست‌کم در مورد این بیماری، «ما امن» تنها در پس ماسک‌های‌مان قرار دارد و هر کدام از ما می‌تواند خطری بالقوه برای عزیزان‌مان باشد. این تصور تازه شکل دیگری به روابط اجتماعی‌مان داده است. تا پیش از کرونا، بی‌رمق‌ترین و دم‌دستی‌ترین شکل ارتباط، ارتباط مجازی و از طریق پیام‌رسان‌ها بود، اما در دوران پساکرونا چت تصویری و پیام‌رسان‌های اینترنتی به دورهمی و آغوش و مکان گپ‌وگفت‌ها تبدیل شده‌اند. حالا دیگر حتی پدر و مادرها هم که پیش از این به‌سختی می‌توانستیم به آنها بقبولانیم که «ارتباط مجازی» هم شکلی از «ارتباط» است، حالا خودشان به مجازی‌کاران قهاری تبدیل شده‌اند که گاه باید نکاتی را از آنها بیاموزیم.

این، برای ما و آنها دربردارنده بازتعریف درونی و اجتماعی مقوله «ارتباط» بوده است. چیزی که تا پیش از همه‌گیری باید برای ضرورت‌اش استدلال می‌آوردید، اکنون، به‌شکلی بدیهی و به‌صورت پیش‌فرض، چیزی واقعی در نظر گرفته می‌شود. حالا دیگر پدرها و مادرها، بدون آن که ناراضی باشند، به دیدن روی ماه فرزندان و نوه‌شان از پشت نمایشگر یا موبایل عادت کرده‌اند.

این جهان تازه‌ای است که در یلدای امسال با آن روبه‌رویم. دیگر نه والدین و نه فرزندان نمی‌گویند «کاش امشب را پیش خانواده بودیم» چرا که الزامی حیاتی، آنچه به معنای دقیق کلمه «بقا» نام دارد، و ما داریم آن را که عزیزان مجازی‌مان را به همان صورتی دوست داریم که اگر قرار بود شب چله را در کنارشان باشیم، دوست می‌داشتیم.

این نوع ارتباط بدون شک «چیزی» کم دارد چرا که ما انسان‌ها موجوداتی نه به شکل مجازی اجتماعی که در مناسباتی تنانی و فیزیکی اجتماعی هستیم، اما اکنون این بهترین چیزی است که می‌توانیم از عزیزان‌مان بگیریم و به آنها بدهیم.



ارثیه اجداد
خوش‌اندیش‌مان دقیقاً به
درد امروز ما می‌خورد. آنها
ابتکارات فراوان به خرج
دادند تا یلدا از پس این
همه واقعه تاریخی نه تنها
زنده عبور کند بلکه حتی
منشأ جشن‌های بزرگ
سایر ملل بشود.

طبق نظریات علمی از جمله نظریه رفتارگرایانی چون «هال» ما می‌دانیم اگر عادت در درازمدت زنده مانده، حتماً جوابگوی سائقه‌ای بوده پس حالا تمام هوشمندی‌مان را به کار می‌بندیم تا در زمان‌هایی که باز هم بشر دچار یک افت انرژی روانی بزرگ است پاسخ و شگرد آزموده شده را متناسب شرایط فعلی و امروزی‌مان به کار ببندیم.

ما امسال به جهت مراعات‌های بهداشتی نمی‌توانیم در اجتماعات بزرگ فامیلی جمع شویم. اما با اعضای خانواده که در یک خانه با هم زندگی می‌کنیم می‌توانیم تمام نکات سراسر زیبایی و شورآفرین یلدا را هر چه گرم‌تر از همیشه برپا کنیم؛ چون آهی بلند که از عمق قلبی در پی زیست مجدد برمی‌آید. و البته این نیمی از ماجراست چرا که اکنون ما ابزاری داریم تا در هر لحظه و هر کجا که باشیم بتوانیم به‌طور زنده صدا و تصویر دوستان و اقوام و عزیزان‌مان را در محفل‌های‌مان فرا بخوانیم و خودمان هم شاهد محفل ایشان شویم. با هم لیخنند و امید و مهربانی‌های‌مان را به اشتراک بگذاریم و به‌جای دیدن یک سفره یلدا چندین و چند تصویر آرام‌بخش محفل عزیزان را ببینیم که دوست‌شان داریم و دوست‌مان دارند و این حقیقت احساس متقابل‌مان را به هم یادآوری کنیم. اشعار و آهنگ‌ها همیشه نقش بزرگی در انتقال پیام‌های مهم امسال داشته‌اند و ما حالا در همین گوشه موبایل‌هایی که در گذشته هزار و یک مطلب ناگوار در آن بوده، این بار روی عزیزان‌مان را در لحظه‌های مشترک می‌بینیم و برای هم شعر می‌خوانیم و از تماشای گفت‌وگوهای شاد و لبخندهای بی‌ریای همدیگر لذت می‌بریم. بیایید ثابت کنیم نسل ما هم می‌تواند هوشمندانه به چالش‌های طبیعت، پاسخ هوشمندانه بدهد.